

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

«تقدیم به امام خمینی (سلام الله علیه) رهبر فقید انقلاب اسلامی و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران و شهیدان فدایی ایران عزیز در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به ویژه برادر شهید بزرگوارم سیروس ترابی که شمیم دل انگیز و جاودانه و جودشان عذرترهم، آفاق و انفس را برای همیشه تاریخ عطرآگین نموده است.»

اجماع نظر‌نخبگان سیاسی
و
توسعه در جمهوری اسلامی ایران

یوسف‌ترابی



اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران

تألیف: یوسف ترابی

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

ویرایش ادبی و صفحه‌آرایی: محمد روشنی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: بهار ۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۱۹-۷

ISBN: 978-600-5574-19-7

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب، ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

سرشناسه	: ترابی، یوسف
عنوان و نام پدیدآور	: اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران/یوسف ترابی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۷۳ص: جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۱۹-۷ ریال: ۶۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه، ص. ۳۶۳-۳۵۶.
موضوع	: سیاستمداران ایرانی — قرن ۱۴
موضوع	: ایران — تاریخ — جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ — جناحهای سیاسی
شناسه افزوده	: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره	: ۱۲۸۸ ت ۴الف/۳ DSR ۶۵۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ ۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	:

فهرست مطالب

۱۳.....	سخن ناشر.....
۱۵.....	پیشگفتار.....
۱۹.....	مقدمه.....

فصل اول: کلیات

۲۵.....	۱. بیان مسأله
۲۶.....	۲. فرضیه‌های ارائه شده
۲۸.....	۳. فرضیه اصلی
۲۹.....	۴. مفاهیم
۳۰.....	۵. شاخص‌های توسعه
۳۱.....	۶. پیشینه و مهم‌ترین آثار
۳۵.....	۷. روش بررسی.....

فصل دوم: مبانی نظری و مدل تحلیل

۴۳.....	۱. تنوری ها و مکاتب توسعه
۴۳.....	۱-۱. تبارشناسی توسعه
۴۶.....	۲-۱. ابعاد توسعه
۴۶.....	۱-۲-۱. توسعه اقتصادی

۶ □ اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در ج.ا.۱

- ۴۷..... ۲-۲-۱. توسعه سیاسی
- ۴۸..... ۳-۲-۱. توسعه اجتماعی
- ۴۹..... ۴-۲-۱. توسعه فرهنگی
- ۵۰..... ۵-۲-۱. راهبردهای مختلف توسعه اقتصادی
- ۵۳..... ۳-۱. مکاتب اصلی توسعه
- ۵۵..... ۱-۳-۱. مکتب نوسازی
- ۵۷..... ۲-۳-۱. مکتب وابستگی
- ۵۹..... ۳-۳-۱. مکتب نظام جهانی
- ۶۲..... ۴-۱. توسعه در اسلام
- ۶۳..... ۱-۴-۱. مفهوم توسعه اسلامی
- ۶۶..... ۲-۴-۱. اصول توسعه در اسلام
- ۶۹..... ۲. نظریه‌های نخبه‌گرایی و توسعه
- ۶۹..... ۱-۲. تبارشناسی نخبگی
- ۷۱..... ۲-۲. طبقه‌بندی و انواع نخبگان
- ۷۳..... ۳-۲. نخبه‌گرایی و اجماع نخبگان
- ۷۳..... ۱-۳-۲. نخبه‌گرایی کلاسیک
- ۷۵..... ۲-۳-۲. نخبه‌گرایی نوین
- ۸۰..... ۳-۳-۲. نخبه‌گرایی در اسلام
- ۸۲..... ۴-۲. اجماع نخبگان و اهمیت آن در توسعه
- ۸۸..... ۵-۲. رویکردهای مختلف توسعه در جمهوری اسلامی ایران
- ۹۳..... ۳. مدل نظری چارچوبی برای تحلیل
- ۹۵..... ۱-۳. نظریه‌های دولت‌های توسعه‌گرا
- ۹۵..... ۱-۱-۳. دیدگاه پیترو اوانز
- ۹۷..... ۲-۱-۳. دیدگاه آدریان لفت ویچ
- ۱۰۰..... ۳-۱-۳. دیدگاه ادوارد شیلز
- ۱۰۰..... ۴-۱-۳. دیدگاه هیرشمن
- ۱۰۱..... ۲-۳. نظریه دولت رانتیر
- ۱۰۳..... ۳-۳. جمع‌بندی مدل نظری تحلیل

فصل سوم: اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه اقتصادی

۱۱۹.....	۱. تاریخچه برنامه‌های توسعه در ایران
۱۲۰.....	۱-۱. برنامه عمرانی اول
۱۲۰.....	۲-۱. برنامه عمرانی دوم
۱۲۱.....	۳-۱. برنامه عمرانی سوم
۱۲۱.....	۴-۱. برنامه عمرانی چهارم
۱۲۲.....	۵-۱. برنامه عمرانی پنجم
۱۲۵.....	۲. نخبگان سیاسی و توسعه اقتصادی: دوره انقلاب
۱۳۱.....	۳. نخبگان سیاسی و توسعه اقتصادی: دوره جنگ
۱۳۶.....	۳-۱. شاخص‌های اقتصادی کشور در دوران جنگ
۱۴۶.....	۳-۲. وضعیت توسعه صنعتی
۱۴۸.....	۴. نخبگان سیاسی و توسعه اقتصادی: دوره سازندگی
۱۴۸.....	۴-۱. ویژگی‌های اساسی کشور در سال ۶۷-۶۸
۱۵۰.....	۴-۲. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا.....
۱۵۶.....	۴-۳. اجماع و عدم اجماع نخبگان و موارد عدول از برنامه اول توسعه
۱۶۴.....	۴-۴. خصوصی‌سازی و اجماع نخبگان سیاسی درون حاکمیت
۱۷۲.....	۴-۵. برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.....
۱۷۸.....	۴-۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۸۸.....	۵. نخبگان سیاسی و توسعه اقتصادی: دوره اصلاحات
۱۹۹.....	۵-۱. برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.....
۲۰۹.....	۵-۲. تغییر و تحولات اقتصادی در دوره اصلاحات
۲۱۲.....	۵-۳. موارد اجماع و عدم اجماع نخبگان دولتی در خصوص توسعه اقتصادی
۲۲۳.....	۵-۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل چهارم: اجماع و اختلاف نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی

۲۴۱.....	۱. تبارشناسی توسعه سیاسی و نشاکنان آن
۲۴۴.....	۲. نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی در دوره انقلاب
۲۴۸.....	۳. نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی در دوره جنگ

۸ □ اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در ج.ا.ی

- ۴: نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی در دوره سازندگی ۲۵۰
- ۴-۱. شرایط و فضای سیاسی کشور ۲۵۰
- ۴-۲. موارد اجماع و عدم اجماع نخبگان سیاسی درون حاکمیت ۲۵۵
- ۵: نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی در دوره اصلاحات ۲۵۸
- ۵-۱. شرایط و فضای سیاسی کشور ۲۵۸
- ۵-۲. تلاش‌های انجام شده در راستای تحقق توسعه سیاسی ۲۷۰
- ۵-۳. موارد اجماع و عدم اجماع نظر نخبگان دولتی در خصوص توسعه سیاسی ۲۷۱
- ۵-۴. جمع‌بندی ۲۷۳

فصل پنجم: اجماع و اختلاف نظر نخبگان سیاسی و توسعه اجتماعی، فرهنگی

۱. تبارشناسی توسعه اجتماعی، فرهنگی ۲۸۱
- ۱-۱. شاخص‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی ۲۸۳
۲. اجماع نخبگان سیاسی و توسعه اجتماعی فرهنگی در دوره انقلاب و جنگ ۲۸۴
۳. اجماع نخبگان سیاسی و توسعه اجتماعی فرهنگی در دوره سازندگی ۲۸۶
۴. اجماع نخبگان سیاسی و توسعه اجتماعی فرهنگی در دوره اصلاحات ۲۹۱

فصل ششم: سازوکارهای حل تعارض میان نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

۱. تعارض و انواع آن ۳۰۳
- ۱-۱. تعریف تعارض ۳۰۳
- ۱-۲. انواع تعارض ۳۰۴
- ۱-۳. سطوح تعارض ۳۰۵
- ۱-۴. راهبردهای مدیریت تعارض و اختلاف ۳۰۶
- ۱-۴-۱. راهبرد کناره‌گیری یا اجتناب ۳۰۶
- ۱-۴-۲. راهبرد پذیرش و همراهی ۳۰۷
- ۱-۴-۳. راهبرد مصالحه ۳۰۷
- ۱-۴-۴. راهبرد رقابت ۳۰۷
- ۱-۴-۵. راهبرد حل مشکل و همکاری ۳۰۸
- ۱-۵. فنون حل تعارض ۳۰۹

فهرست مطالب □ ۹

۳۰۹.....	۱-۵-۱. گفتگو و مذاکره.....
۳۱۱.....	۲-۵-۱. حل تعارض و اختلاف غیر رسمی.....
۳۱۱.....	۳-۵-۱. مشارکت دادن طرفین منازعه.....
۳۱۲.....	۶-۱. تعارض در قرآن و اسلام.....
۳۱۴.....	۲. سازوکارهای حل تعارض در میان نخبگان دولتی جمهوری اسلامی ایران.....
۳۱۴.....	۱-۲. نهاد رهبری و ولایت فقیه.....
۳۱۵.....	۲-۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام.....
۳۱۵.....	۱-۲-۲. تبارشناسی مصلحت.....
۳۱۶.....	۲-۲-۲. فرایند تشکیل مجمع تشخیص مصلحت.....
۳۲۳.....	۳-۲-۲. ترکیب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام.....
۳۲۶.....	۴-۲-۲. مهمترین مصادیق مدیریت حل تعارض از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.....
۳۳۰.....	۳-۲. مجلس شورای اسلامی.....
۳۳۰.....	۴-۲. شورای نگهبان قانون اساسی.....
۳۳۱.....	۵-۲. رئیس جمهور.....
۳۳۱.....	۶-۲. شورای عالی امنیت ملی.....
۳۳۲.....	۷-۲. جمع بندی.....

فصل هفتم: جمع بندی و پیشنهادات

۳۴۱.....	۱. جمع بندی.....
۳۴۷.....	۲. پیشنهادات.....

فصل هشتم: فهرست منابع

۳۵۵.....	۱. فهرست منابع فارسی (کتاب).....
۳۶۶.....	۲. فهرست منابع عربی (کتاب).....
۳۶۶.....	۳. فهرست منابع فارسی (مقاله‌ها).....
۳۷۱.....	۴. فهرست منابع لاتین.....

فهرست جداول

- ۲-۱. گونه شناسی تعامل نخبگان سیاسی درون حاکمیت بر حسب چگونگی وفاق و اجماع
نظر در رابطه با توسعه ملی..... ۱۰۴
- ۳-۱. تحولات اقتصادی در بخش های مختلف ۱۳۷
- ۳-۲. رشد مصرف و تشکیل سرمایه ۱۳۸
- ۳-۳. تولید ناخالص داخلی و تشکیل سرمایه ۱۳۹
- ۳-۴. جدول مالیات ها ۱۴۱
- ۳-۵. سهم مالیاتها به نسبت بودجه عمومی ۱۴۱
- ۳-۶. وضعیت سرمایه گذاری در اقتصاد ایران طی دو دهه اخیر..... ۱۴۳
- ۳-۷. برنامه های توسعه در دوران جنگ ۱۴۴
- ۳-۸. روند تشکیل سرمایه گذاری صنعتی و سهم صنعت در تشکیل سرمایه کشور..... ۱۴۷
- ۳-۹. موارد عدول از برنامه اول توسعه کشور ۱۵۸
- ۳-۱۰. موارد عدم اجماع نخبگان درون حاکمیت ۱۵۹
- ۳-۱۱. ویژگی های اقتصادی سالهای ۶۸-۷۴ ۱۶۱
- ۳-۱۲. میانگین رشد بخش ها در برنامه اول توسعه کشور ۱۶۳
- ۳-۱۳. مقایسه عملکرد صادرات غیر نفتی برنامه اول با اهداف پیش بینی شده ۱۶۳
- ۳-۱۴. نرخ تورم ۱۶۴
- ۳-۱۵. عملکرد فروش سهام شرکت های دولتی ۱۷۰

۱۲ □ اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در ج.ا.ا.

- ۱۶-۳. تعداد پروازهای بین المللی ۱۷۱
- ۱۷-۳. خارجیان وارد شده به کشور برحسب جهانگرد و غیره ۱۷۱
- ۱۸-۳. مقایسه اصلاحات و تغییرات تبصره‌های کلان برنامه دوم توسعه ج.ا.ا. ۱۷۶
- ۱۹-۳. نوسان های تولید ناخالص داخلی (با قیمت‌های ثابت ۷۶) ۱۷۹
- ۲۰-۳. وضعیت بخش های مختلف در برنامه دوم توسعه ۱۸۰
- ۲۱-۳. روند تشکیل سرمایه ۱۸۲
- ۲۲-۳. میزان سرمایه گذاری خارجی خصوصی پذیرفته شده طی سال‌های ۷۲-۷۸ ۱۸۳
- ۲۳-۳. واگذاری سهام به بخش عمومی ۲۰۵
- ۲۴-۳. تولید ناخالص داخلی و تشکیل سرمایه ۲۰۷
- ۲۵-۳. وضعیت سرمایه گذاری ۲۰۹
- ۲۶-۳. موارد اجماع و عدم اجماع نخبگان دولتی در دوره اصلاحات ۲۲۵
- ۱-۴. جدول انتخابات مختلف برگزار شده در کشور ۲۴۹
- ۲-۴. جدول انتخابات مختلف برگزار شده ۲۵۴
- ۳-۴. موارد اجماع و عدم اجماع در دوره سازندگی ۲۵۷
- ۴-۴. آمار صدور مجوز فعالیت احزاب سیاسی ۲۷۱
- ۵-۴. موارد عدم اجماع نخبگان دولتی حاکم در خصوص توسعه سیاسی ۲۷۲
- ۱-۵. تعداد عناوین روزنامه های منتشر شده ۲۸۴
- ۲-۵. مخارج فرهنگی (برحسب میلیارد ریال) ۲۸۵
- ۳-۵. مخارج فرهنگی ۲۸۵
- ۴-۵. موارد عدم اجماع نظر و اختلاف نخبگان سیاسی درون حاکمیت در دوره انقلاب ۲۸۵
- ۵-۵. شاخص توسعه انسانی در ایران ۲۸۶
- ۶-۵. اجزاء شاخص توسعه انسانی ۲۸۷
- ۷-۵. ارزش خدمات فرهنگی ۲۸۸
- ۸-۵. تعداد عناوین روزنامه‌ها و تیراژ روزانه ۲۸۹
- ۹-۵. تیراژ مجلات و نشریات ادواری ۲۸۹
- ۱۰-۵. تعداد کتابهای منتشره ۲۹۰
- ۱۱-۵. شاخص توسعه انسانی ۲۹۲
- ۱۲-۵. صاحبان امتیاز نشریات کشور ۲۹۴

سخن ناشر

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۸۴

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهشها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

در این راستا، اثر حاضر از مجموعه مطالعاتی «سیاسی» تقدیم جامعه علمی کشور می‌شود. لازم به ذکر است که سیاست «موضوع محور نمودن» پژوهش‌های دانشگاه طی سه سال گذشته آثار و نتایج مبارکی در پی داشته که از آن جمله می‌توان به غنای موضوعی پژوهش‌های دانشگاه اشاره داشت. در قالب این سیاست، موضوعات با اولویت نخست شناسایی و از منظرهای مختلف علمی به بحث گذارده می‌شوند که «سیاست» به دلیل نیاز فزاینده جامعه علمی و بویژه عملیاتی کشور، از جمله آنها است.

ناشر بسیار خرسند است که اثری که از این مجموعه را در دستور نشر دارد و امیدوار است که بسته مطالعاتی ارائه شده که از حیث تعداد و محتوا در سطح کشور بی‌نظیر است، به همت سایر پژوهشگران تقویت شده و رشد مطالعات سیاسی را در آینده نزدیک شاهد باشیم.

معاونت پژوهشی

دانشگاه امام صادق علیه السلام

پیشگفتار

پیشرفت، ترقی، عمران و آبادانی و توسعه جمهوری اسلامی ایران از موضوعات شایان توجه حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته) و نخبگان سیاسی در ادوار مختلف پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بوده است که تبلور عینی آن در پیروزی‌های کشور در عرصه‌های مختلف علمی- پژوهشی و فناوری‌های نوین و گذر از عقبه‌های خطرناک جنگ تحمیلی ۸ ساله و توطئه‌های دشمنان خارجی و عناصر داخلی مشهود است. توسعه و برنامه‌های ملی توسعه، محصول تلاش‌ها و کوشش‌های فکری نخبگانی است که در هرم نظام سیاسی و حاکمیتی کشور حضور دارند و موفقیت برنامه‌های توسعه در گرو انسجام فکری و اجماع نظر کلان نخبگان سیاسی که نقش محوری و کلیدی در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها دارند، می‌باشد. اختلاف‌نظرها، تعارض‌ها و عدم اجماع نظر مخرب و سلیقه‌گرایی مفرط از آسیب‌ها و آفات بزرگ مدیریت توسعه کشور به شمار می‌رود. تجارب و واقعیت‌های تاریخی بیانگر این واقعیت ارزشمند است که «توسعه‌یافتگی» محصول عقلانیت، خردمندی، انسجام و اجماع نظر نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده است که در قالب «دولت‌های توسعه‌گرا» تبلور می‌یابند. دولت‌های حاضر پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌ها و مجاهدت‌های فراوانی را برای اعتلای جمهوری اسلامی ایران و نیل به توسعه‌یافتگی داشته و دارند و تصویب و ابلاغ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هـ. ش جمهوری اسلامی ایران توسط مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در سال ۱۳۸۳ به سران قوای سه‌گانه نمودی از این تلاش‌های ارزشمند است. کتابی که ملاحظه می‌شود پویایی علمی

برای بررسی نقش اجماع نظر نخبگان سیاسی در توسعه کشور است. این بررسی با بهره‌گیری از رویکرد «توسعه تعالی محور» و «رویکرد دولت توسعه‌گرا» در چهار مقطع زمانی ۱. دوره انقلاب ۲. دوره جنگ تحمیلی ۳. دوره سازندگی ۴. دوره اصلاحات، انجام می‌گیرد. نوآوری و خلاقیت در استدلال‌ها، بهره‌گیری از اسناد، مدارک، اطلاعات و آمارهای ارائه شده توسط مجامع رسمی و دولتی، روانی و شیوایی مطالب از نکات شایان توجه اثر مزبور می‌باشد که به صورتی عینی تأثیرات اجماع نظر، اختلافات و تعارض‌های نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده را بر برنامه‌های توسعه ملی به تصویر می‌کشد.^۱

تدوین این کتاب میسر نبود مگر به یمن الطاف و عنایات خداوند سبحان و مدیریت هوشمندانه حضرت آیت‌الله مهدوی کنی ریاست محترم و بزرگوار دانشگاه امام صادق(ع) و راهنمایی‌های عالمانه و مشفقانه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر کاووس سیدامامی و مشاوره‌های اساتید ارجمند جناب آقای دکتر علی رضائیان و دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی که در فرآیند تدوین اثر نقش بسزایی داشتند. همچنین مؤلف در فرآیند تدوین کتاب از توصیه‌های ارزشمند اساتید ارجمند جناب آقای دکتر محمود سریع‌القلم، دکتر محمدباقر خرمشاد، دکتر غلامرضا خواجه‌سروی و دکتر محمدرضا احمدی طباطبایی بهره‌مند بوده که صمیمانه از آنان قدردانی می‌نمایم. امید است کتاب حاضر مورد استفاده جامعه علمی کشور، علاقه‌مندان به پیشرفت و توسعه کشور و به ویژه نخبگانی که دغدغه آبادانی و عزت‌میهن اسلامی را بر سر دارند قرار گیرد و نخبگان سیاسی با امعان نظر به ضرورت انسجام فکری و اجماع نظر کلان و پرهیز از سلیقه‌گرایی که نتیجه‌اش تعارض

۱. نکته شایان توجه این است که آفات و آسیب‌های ناشی از اختلافات و تعارض‌های نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده که قبل از دولت نهم وجود داشته است، کمافی‌السابق در دولت نهم جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد نیز مشهود است. زیر سؤال بردن افراطی دولت‌های اسلامی و برنامه‌های توسعه ملی مصوب گذشته، عدول مفرط از برنامه چهارم توسعه کشور، انحلال اعجاب‌برانگیز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، عدم حرکت شفاف در مسیر چشم‌انداز ۱۴۰۴ ه. ش. و حاکمیت فرهنگ تعارض و اختلاف و بدبینی در میان دولت نهم و فقدان رویکرد علمی مورد وثوق برای مدیریت برنامه‌های توسعه ملی از کاستی‌های ناشی از عدم انسجام فکری و عدم اجماع نظر کلان در میان نخبگان سیاسی در دولت نهم است که در مقام عمل بخش قابل توجهی از انرژی و توان دولت مصروف دوباره آزمایشی آزموده‌ها، نفی افراطی گذشته جمهوری اسلامی، استمرار تعارض‌ها و اختلافات مخرب گردیده است. البته به تصویر کشیدن مستند و علمی اقدامات دولت نهم در حوزه توسعه ملی نیازمند تحقیقی علمی است.

و اختلافات مخرب است ایران اسلامی عزیز را در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی که بخش‌هایی از آن در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هـ.ش تبلور یافته است رهنمون و مدیریت نمایند و انشاءالله جمهوری اسلامی ایران به الگوی موفق‌ی برای کشورهای اسلامی و دیگری کشورهای در حال توسعه در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل گردد.

در پایان از همکاری و زحمات بی‌دریغ جناب آقای دکتر اصغر افتخاری، معاون پژوهشی و جناب آقای دکتر سید علی علم‌الهدی، مدیر انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) کمال تشکر را دارم.

«یوسف ترابی»

مقدمه

هنگامی که مطالبات توسعه در پاسخ به نیازهای کشورهای موسوم به توسعه‌نیافته و برخی ضرورت‌های دیگر در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، با الگوبرداری ساده‌اندیشانه‌ای از چگونگی توسعه در بیشتر کشورهای اروپای غربی، توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان توسعه متوجه نقش محوری طبقه کارآفرین یا بورژوازی شد. این دیدگاه «ویری» که توسعه را محصول فعالیت کارآفرینانی می‌داند که روح کار و تلاش و عقلانیت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در جامعه می‌گسترانند، دستمایه اولین فرمول‌بندی‌ها از مکتب نوسازی شد. اما دیری نگذشت که پژوهشگران توسعه با گردآوری اطلاعات بیشتر و کامل‌تر از روند توسعه و چالش‌های آن در جهان «در حال توسعه» دریافتند که «کارآفرینان» مذکور به قدر کافی از اخلاق متناسب با توسعه برخوردار نیستند و به جای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مجدد، درآمدهای خود را صرف تجمل نموده و یا به بانک‌های خارجی می‌فرستند، یا بیش از حد در ورطه فساد فرو رفته‌اند، یا اصولاً به لحاظ تعداد و منابع مالی در حدی نیستند که موتور محرک «توسعه» شوند. لذا اذهان به سوی کاندیداهای دیگری برای ایفای نقش کارگزاران توسعه چرخش یافت.

با چرخشی که در جامعه‌شناسی سیاسی و علم سیاست درباره دولت اتفاق افتاد و «دولت» دوباره در تحلیل‌ها به عنوان یک بازیگر مستقل وارد شد، توجه پژوهشگران توسعه به دولت و نقش آن در توسعه معطوف گردید. تجربه گذشته ژاپن و نقشی که دولت آن کشور در حمایت از بخش صنعتی و فراهم آوردن همه شرایط برای توسعه

اقتصادی آن کشور ایفاء کرده بود و نیز تجربه جدیدتر برخی «دولت‌های توسعه‌گرا» در سنگاپور، کره جنوبی و تایوان بر نقش محوری دولت در توسعه صحه زد.

اما هر دولتی نمی‌توانست کشور خود را در مسیر توسعه قرار دهد. نخستین شرط چنین دولتی این بود که گردانندگان آن، یعنی «نخبگان سیاسی کشور»، درباره ضرورت توسعه کشور اجماع نظر داشته باشند. به عبارت دیگر، توسعه اولویت اول آنان باشد. شرط دوم، تمامی امکانات دولت می‌بایست مصروف توسعه کشور شود. نمونه‌های فراوانی از دولت‌ها را می‌توان در دنیا یافت که به جای توسعه، اولویت‌های دیگری را دنبال کرده‌اند. مثل اولویت‌های نظامی و تبدیل شدن به یک قدرت فائق منطقه‌ای (دولت صدام حسین در عراق و محمدرضا شاه در ایران). یا چپاول منابع کشور به سود یک گروه نخبه سیاسی یا نظامی (اغلب دیکتاتوری‌ها و رژیم‌های اقتداری در آفریقا). شرط سوم، علاوه بر اجماع نخبگان سیاسی درباره توسعه و توسعه‌گرا بودن دولت، توانایی نخبگان قدرت در کنترل فساد بود. از زمانی که متفکر مشهور سوئدی، گونار میردال، فساد را دشمن شماره یک توسعه نامیده بود، پژوهشگران توسعه شواهد عینی در خصوص رابطه منفی فساد و توسعه را در بسیاری از نقاط جهان به تأیید رساندند.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) رهبران نظام برآمده از انقلاب به شکرانه استقلال سیاسی به دست آمده و با اتکاء به حمایت توده‌های مردم مسلمان در اندیشه پیشرفت کشور افتادند. اما دیری نگذشت که اختلاف‌نظرها درباره الگوی توسعه و چگونگی تحقق آن بالا گرفت. دست کم سه دیدگاه در میان نخبگان سیاسی درباره الگوهای کارآمد توسعه کشور که منبعث از تعالیم دین مبین اسلام است پدید آمد: دیدگاهی که در آن اعتقاد به مخالفت با مالکیت خصوصی و اولویت دادن به بازار جایگاه اصلی را داشت، دیدگاهی که قسط اسلامی را صرفاً به واسطه نقش مداخله‌گر و تصدی‌گر دولت در اقتصاد ممکن می‌دانست و بالاخره دیدگاهی که تلفیقی از اقتصاد دولتی و اقتصاد خصوصی را در شرایط خاص ایران راهگشای توسعه می‌پنداشت.

در اولویت‌های نظام سیاسی جدید نیز وحدت نظر وجود نداشت. آیا کشور باید تمام توان خود را صرف توسعه مالی می‌کرد یا با توجه به تهدیدات دشمنان بیرونی، توجه خود را بیش از هر چیز معطوف به تقویت توانایی‌های دفاعی و امنیتی می‌ساخت. تجاوز صدام به ایران و شروع جنگ هشت ساله موقتاً بحث‌ها را متوقف ساخت و امکانات

کشور اساساً معطوف به دفاع ملی شد. با پایان جنگ، اجماعی نسبی دربارهٔ ضرورت توسعه کشور و بازسازی خرابی‌های جنگ در میان نخبگان شکل گرفت و در دولت سازندگی دورانی از سازندگی زیربناهای کشور و تشویق به سرمایه‌گذاری و کارآفرینی آغاز شد. با آغاز به کار دولت اصلاحات، تلاش مجدانه به عمل آمد تا کاستی و کسری توسعهٔ سیاسی رفع شود، اما در آن زمان کمترین اجماع در میان نخبگان سیاسی دربارهٔ مسیر توسعه و به ویژه اولویت توسعهٔ اقتصادی یا سیاسی شکل گرفت. با این وجود، سند چشم‌انداز بیست سالهٔ توسعه کشور که نمادی از اجماع نخبگان بود نهایتاً به تصویب رسید و سرلوحهٔ سیاست‌گذاری‌های بعدی در حوزهٔ توسعهٔ کشور قرار گرفت.

دکتر ترابی در اثر حاضر، که مقوله‌ای نو و حائز اهمیت است، با تعمق در مباحث و سیاست‌گذاری‌های توسعه در کشور از ابتدای پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تا پایان دولت جناب آقای خاتمی، کوشیده است تا اجماع نظر و اختلافات میان نخبگان سیاسی کشور و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های مربوط به توسعه ملی را بررسی و تحلیل کند.

قلم روان و شیوای ایشان و غنای اطلاعات و آمار ارائه شده، کتاب را به متنی خواندنی و مستدل تبدیل کرده است. باشد که علاقه‌مندان به پیشرفت کشور و نخبگانی که درد آبادانی و عزت میهن اسلامی دارند با مطالعهٔ آن به ضرورت دستیابی به اجماعی گسترده برای تحقق آرمان‌های ملی بیش از پیش اعتقاد یابند و اندیشه و عمل خود را در خدمت به تحقق آرمان‌های مذکور قرار دهند.

کاووس سیدامامی

دانشیار دانشگاه امام صادق(ع)

فصل اول

— — — — —

کلیات

۱. بیان مسأله

مطالعات تاریخی نشان‌دهنده نقش کلیدی نخبگان (Elites) در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. در ادبیات قرآنی تمدن‌ها، ملل و اقوام گوناگون به نام رهبران و نخبگان خود نامیده شده‌اند. افلاطون اعتقاد دارد جامعه باید تحت حکومت گروهی از خردمندان و دادگران (اشراف عقلی) اداره شود.^۱ برخی از اندیشمندان پیدایش تمدن‌ها را نتیجه تلاش، خلاقیت و دوران‌دیشی اقلیت‌های خلاق می‌دانند. به قول توین بی: «رشد تمدن‌ها به نحوه عمل یک اقلیت خلاق بستگی دارد، تمام اعمالی که منجر به سازندگی اجتماعی می‌شود یا از افراد مبتکر سر می‌زند یا از اقلیت‌های خلاق».^۲ توسعه (Development)، پیشرفت و ترقی جامعه که نمودی از تمدن‌سازی به شمار می‌رود نیز از این قاعده مستثنی نیست. تجربه شایان توجه بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته و همچنین کشورهای آسیای جنوب شرقی حاکی از آن است که نخبگان کشور به ویژه نخبگان سیاسی حاکم با ایفای نقش اساسی خود در فرآیند تصمیم‌گیری امور و اداره کشور، تأثیری مهم در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. توسعه و پیشرفت، عمران و آبادانی کشور نتیجه عقلانیت، هماهنگی، ثبات و آرامش، برنامه‌ریزی و مدیریت کارگزاران و تصمیم‌گیرندگان به صورت دسته‌جمعی است. به عبارت دیگر توسعه و پیشرفت نیازمند مدیریت و هدایت بهترین افراد و نخبگان است و مؤثرترین افراد در این فرآیند نخبگان فکری و نخبگان سیاسی حاکم هستند.

بسیاری از پژوهشگران با استناد به تجربیات موفقیت‌آمیز بعضی از کشورهای در حال توسعه اعتقاد دارند که تحقق توسعه در کشورهای جهان سوم به تلاش‌ها، فعالیتها و خلاقیت‌های نخبگان بومی آن کشورها بستگی دارد. به عبارت دیگر نخبگانی که بیشتر محصول و ساخته و پرداخته فرهنگ بومی خودشان هستند می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌تری در اشاعه فرهنگ توسعه و در هدایت فرآیند توسعه ایفا کنند.^۳ در جمهوری اسلامی ایران که یک نظام سیاسی نسبتاً نوپا و کشوری در حال توسعه است، نخبگان سیاسی، نخبگان فکری، نظامیان و کارآفرینان (Entrepreneurs) از موقعیت برجسته‌ای برخوردار و در تحولات کشور و همچنین فرآیند توسعه و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن نقش کلیدی و بسزایی ایفا می‌کنند. مسأله مهم و قابل تأملی که در طول حیات دولت‌های جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد، وجود تعارض و منازعات قهرآمیز و مخرب در رابطه با توسعه ملی است. تعارض و اختلافات شدید بر سر مقاصد، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی، عدول مکرر از برنامه‌های مدون اول، دوم و سوم، تلقی‌های متفاوت از توسعه، اختلافات بر سر مقدم بودن توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی...، از نمودهای عینی این اختلافات و کشمکش‌ها است. به این ترتیب سؤال‌های مهم و اساسی که در این رابطه برای محقق مطرح است عبارتند از:

الف: تعارض و عدم اجماع نظر نخبگان سیاسی درون حاکمیت در قالب دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه ملی و ناپایداری برنامه‌های توسعه در ایران داشته است؟

ب: روش‌ها و سازوکارهای حل تعارض در جمهوری اسلامی ایران کدام بوده و سازوکارهای مقبول‌تر حل تعارض کدامند؟

۲. فرضیه‌های ارائه شده

در رابطه با موانع توسعه در ایران معاصر و جمهوری اسلامی ایران آراء و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است که چند نمونه معروف آن عبارتند از:

(۱) فقدان مکتب فکری معین مورد اتفاق و اجماع نخبگان در ایران.^۴

(۲) نبود همبستگی ملی و اجماع عام در ایران.^۵

۳) شکاف‌ها و چند پارگی‌های اجتماعی و فرهنگی به ویژه شکاف نخبگان در ایران.^۶

۴) فرهنگ و ویژگی‌های شخصیتی نخبگان ایرانی.^۷

ذکر این نکته شایان توجه است که مطالعه و بررسی نقش ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در فرآیند توسعه، مقوله‌ای است که خود می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد و در این پژوهش محقق به بررسی آنها نمی‌پردازد. علاوه بر فرضیه‌های مزبور فرضیه‌های دیگری وجود دارند که هر کدام به نوبه خود حائز اهمیت و قابل مطالعه و بررسی است و بعضاً با فرضیه‌های مورد اشاره سازگاری^۸ دارند.

پیرامون علل عقب‌ماندگی ایران سه گروه کلان نظریه ارائه شده است:

اول: نظریه‌هایی که عوامل خارجی را مسئول عقب‌ماندگی ایران می‌دانند که دارای زیرشاخه‌های زیر است.

۱. افراطیونی که هجوم عرب‌ها به ایران و ورود اسلام را منشأ عقب‌ماندگی ایران دانسته و معتقدند این هجوم و قفه‌ای طولانی بیش از یک قرن در توسعه ایران ایجاد نموده و عامل دین مایه عقب‌ماندگی ایران بوده است.

پور داود، احمد کسروی، صادق هدایت، میرزا آقای کرمانی، فتحعلی آخوندزاده، ... از این دسته نظریه‌پردازان هستند که تحت تأثیر احساسات باستان‌گرایی ایران و بدون استدلال علمی و منطقی هر کدام با درجاتی دین اسلام را عامل عقب‌ماندگی ایران تلقی می‌کنند شایان ذکر است که تعالیم توحیدی و معنوی در ایران باستان بسیار رواج داشته است و جاماسب حکیم شاگرد و داماد زرتشت پیامبر از بشارت‌دهندگان ظهور پیامبر اکرم(ص) می‌باشد^۹ و نکته دیگر اینکه بسیاری از محققان معتقدند ذوالقرنین یاد شده در قرآن کریم همان کوروش پادشاه بزرگ هخامنشی است.^{۱۰}

۲. نظریه‌ای که هجوم و حملات ترکان آسیای میانه و مغول‌ها را عامل عدم توسعه ایرانی تلقی می‌کند.^{۱۱}

۳. نظریه‌ای که سلطه استعمار غرب را مسؤول عقب‌ماندگی ایران تلقی می‌کند. این نظریه از سوی مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها تبلیغ می‌شد. تئوری‌های وابستگی و سیستم اقتصاد جهانی از جمله گرایش‌های این نظریه‌ها است.

دوم: نظریه‌هایی که عامل ذهنی - فرهنگی و شخصیتی را عامل عدم توسعه و عقب‌ماندگی ایران تلقی می‌کنند که خود به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱. با تأکید بر عوامل فرهنگی، اعتقاد دارند مناسبات فرهنگی و اجتماعی ویژه‌ای در ایران حاکم گردیده و مانع پیدایش اندیشه‌های نوین عقلی و ابداعی و خلاقیت انسانی شده است و فرهنگ ایرانی سترون و نازا شده است.^{۱۲} علی‌رضا قلی در کتاب جامعه‌شناسی نخبه‌کشی که جامعه را مساوی فرهنگ قلمداد نموده است در حالی که فرهنگ بخشی از هویت جوامع است.^{۱۳}

۲. توسعه جامعه مشروط به توسعه و رشد علم است و علت اصلی عقب‌ماندگی ایران را در افول علمی دانسته و پیشرفت و توسعه غرب را در گرو رشد علمی می‌دانند.^{۱۴}

۳. ارزش‌های انسانی و شخصیت و روانشناسی اجتماعی عامل توسعه است و شرط توسعه جامعه، وجود ارزش‌های نوین و تربیت شخصیت‌های خالق، نوآور می‌باشد و اختناق سیاسی عامل عدم تکوین چنین شخصیت‌هایی است.^{۱۵}

ریشه این نظریه‌ها در دیدگاه دیوید مک کلند (انگیزه پیشرفت)، اورت هیگین (شخصیت نوآور) و انکلز (نقش انسان مدرن) و رابرت بلا (ارزش‌های فرهنگی) و ابراهام مازلو (نوع ایده‌آل خویش حقیقی) دیده می‌شود.

رابرت بلا، توسعه را در چگونگی آموختن برای آموختن می‌داند.^{۱۶}

سوم: نظریه‌هایی که عوامل و متغیرهای اقتصادی و به عبارت دقیق‌تر مناسبات تولیدی در ایران منشأ عدم توسعه تلقی می‌کنند که سه دسته هستند:

۱. نظریه فئودالیسم ایرانی (مارکسیست‌ها).

۲. نظریه سیستم قبیله‌ای.^{۱۷}

۳. نظریه وجه تولد آسیایی.^{۱۸}

۳. فرضیه اصلی

تعارض و عدم اجماع نظر نخبگان سیاسی حاکم مهمترین عامل در ناپایداری تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه و مشکلات موجود در راه پیشبرد برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۴. مفاهیم

اجماع عبارت است از اتفاق نظر کلان آشکار، نهان و یا تلویحی نخبگان سیاسی حاکم تصمیم‌گیر بر سر اصول اساسی، اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های توسعه که در قالب برنامه‌های توسعه طراحی و سیر قانونی خود را برای تصویب می‌گذرانند. شاخص‌های اجماع نظر و وفاق نخبگان سیاسی عبارتند از:

۱. حصول به یک توافق و اتفاق نظر جمعی کلان بر پایه یک رویه و ساز و کار مورد توافق؛

۲. متعهد و وفادار ماندن به توافق و اتفاق نظر جمعی در طول اجرای برنامه و تصمیمات. اجماع نظر همواره نسبی است و در برخی موارد مورد اختلاف به صورت جزئی بر سر شیوه‌ها، خط‌مشی‌ها و اهداف باقی می‌ماند.

منظور از روش‌ها و ساز و کارهای حل اختلاف و تعارض و نهادینه‌سازی آن، این است که طرف‌های تعارض ضمن پذیرش اختلاف آراء و نظریه‌ها، با اعتقاد به حقوق و آزادی‌های همدیگر و به رسمیت شناختن آن در قالب یکی از اشکال زیر امکان تصمیم‌گیری جمعی عقلایی را فراهم کنند:

۱. وجود تشکیلات و چند حزب مقتدر و پایداری که برای نیل به اجماع نظر همکاری نمایند.

۲. استفاده از روش‌های رسیدن به اجماع دمکراتیک بر مبنای مذاکره و پذیرش قواعد بازی.

۳. پذیرش و تحمل یک مرجع عالی‌تر برای حل اختلاف و تعارض.

۴. همسازی و توافق (Accommodation)، به گونه‌ای که اطراف تعارض هر کدام در حوزه عمل خود، اعمال نظر نموده و حقوق دیگران را برای سیاست‌گذاری در حوزه دیگر بپذیرند.

تعارض و کشمکش (conflict) عبارت است از روی آوردن نخبگان سیاسی به مجادلات قهرآمیز و اختلافات و عدم انعطاف‌پذیری عقلانی که فرآیند تصمیم‌گیری در حوزه توسعه ملی را دچار اختلال می‌کند.

توسعه ملی (National Development) عبارت است از فرآیندی که در طی آن ظرفیت‌های جامعه در ابعاد و طیف گسترده‌ای از حوزه‌های زندگی از جمله حوزه‌های

اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارتقاء می‌یابد به عبارت دیگر فرآیندی است که طی آن توسعه انسانی از یک سو و توسعه اقتصادی از سوی دیگر تحقق می‌یابد. مهمترین اهداف توسعه انسانی گسترش حوزه انتخاب‌های مردم است و توسعه اقتصادی معطوف به گسترش ظرفیت‌های تولید ثروت است. توسعه ملی موفق به معنای تحقق رفاه همه‌جانبه طی فرآیندی است که بهره‌وری فردی و اجتماعی را افزایش می‌دهد.^{۱۹}

نخبگان سیاسی (political elites)، در این اثر منظور از نخبگان سیاسی، نخبگان تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار درون حاکمیت می‌باشد که در قالب نهادهای رسمی و قانونی در ج.ا.ا. بر فرآیند توسعه ملی تأثیرگذار هستند مانند: مقام رهبری، قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی. تصمیم‌گیری (Decision making)، فرآیندی را تشریح می‌کند که از طریق آن، راه‌حل مسأله معینی انتخاب می‌گردد.^{۲۰}

۵. شاخص‌های توسعه

در منابع و متون علمی مهمترین شاخص‌های توسعه ملی در ابعاد توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

۱. درآمد سرانه، ۲. توزیع درآمد، ۳. امید به زندگی، ۴. ساختار جمعیت، ۵. درصد شهرنشینی، ۶. درصد بیکاری، ۷. ساختار اشتغال، ۸. مصرف سرانه انرژی، ۹. نسبت دانش‌آموزان و دانشجویان به کل جمعیت، ۱۰. نسبت پزشک و تخت بیمارستان، ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۱۱. میانگین افراد بر حسب اتاق، ۱۲. میزان رشد تولید ناخالص ملی، ۱۳. نسبت هزینه‌های پژوهش (توسعه) به تولید ناخالص ملی، ۱۴. ارزش میزان مبادلات بین‌المللی، ۱۵. نسبت دانشمندان و مهندسان و مبتکران به کل نیروی انسانی^{۲۱}

در این اثر شاخص‌های توسعه عبارتند از:

۱. شاخص‌های اقتصادی: درآمد سرانه ملی، تولید ناخالص ملی، میانگین نرخ رشد، اشکال و سطوح صنعتی شدن و خصوصی‌سازی.
۲. شاخص‌های سیاسی: برابری فرصت‌ها و افزایش مشارکت سیاسی، ظرفیت نظام سیاسی در ارتباط با محیط خود و پاسخگویی به مطالبات مردم، تنوع و تفکیک ساختاری و تخصصی شدن ساختارها.

۳. شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی: نرخ باسوادی و آموزش عالی، نرخ امید به زندگی، تعداد مطبوعات و نشریه‌ها.

۶. پیشینه و مهم‌ترین آثار

پیرامون نقش کلیدی نخبگان سیاسی در تحولات توسعه کشورها و همچنین جمهوری اسلامی ایران دیدگاه‌ها و تحقیقاتی وجود دارد که تا حدودی می‌تواند رهگشای تحقیق در این زمینه باشد.

برای مثال امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر فقید انقلاب اسلامی بر مبنای یک تجربه عینی تاریخی از تحولات ایران معاصر، تأکید ویژه‌ای بر پرهیز از اختلافات منازعه‌انگیز و خصومت‌آمیز در میان دولتمردان، تصمیم‌گیران و نخبگان سیاسی داشتند. ایشان پیشرفت و ترقی کشور و استقلال آن و رمز پیروزی انقلاب اسلامی و استمرار آن را در پرتو تحقق وحدت کلمه، وفات و اجماع کلان و پرهیز از منازعات و کشمکش‌های مخرب می‌دانستند. چند نمونه از تأکیدات هوشمندانه ایشان که می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بحث باشد در زیر ارائه می‌شود:

«رؤسا و دولتمردان بیدار شوند، مخاصمه را ترک کنند، این منظره‌ها را ببینند و دست از مخاصمات بردارند و آتش بس کنند.^{۲۲} خودمان هم بریزیم به جان خودمان، چه خواهد شد؟ مجلس با دولت مخالف! دولت با مجلس مخالف! اینها چه خواهد شد؟»^{۲۳}

دکتر سریع‌القلم در بررسی عوامل توسعه نیافتگی ایران ضمن تأکید بر اجماع نظر نخبگان فکری و نخبگان ابزاری (سیاسی) معتقد است تا زمانی که میان نخبگان ائتلاف و اجماع نظر روشی و کیفی وجود نداشته باشد امکان توسعه فراهم نمی‌آید، چنان‌که در کشورهای آسیای جنوب شرقی ائتلاف و اجماع نظر میان نخبگان فکری و سیاسی بستر توسعه‌یافتگی را فراهم آورد به زعم ایشان، تئوری نخبگان و حوزه نخبگی مرکز ثقل مباحث توسعه می‌باشد.^{۲۴} ایشان در جای دیگری پیرامون اهمیت اجماع نخبگان می‌نویسد: «انسجام و قاعده‌مندی گروه‌های سیاسی و نخبگان سیاسی امکان تدوین یک استراتژی ملی را برای توسعه فراهم می‌آورد و حرکت یک کشور به جلو را مشخص می‌کند، در غیر این صورت مسیر سیاسی و فکری یک کشور تابع به قدرت رسیدن

گروه‌های گوناگون و گرایش‌ها و افکار سیاسی آنها خواهد بود. اجماع نخبگان سیاسی و تدوین استراتژی ملی می‌تواند مسیر و سرنوشت سیاسی اقتصادی کشور را مشخص‌تر کند.»

دکتر حسین عظیمی در این زمینه معتقد است:

«به نظر من مهمترین مانع توسعه ایران این است که ما اصالت فکر و اصالت اندیشه نداشته‌ایم، امروز هم درگیر همین پدیده هستیم، یعنی اندیشیدن باید در جامعه ایران نهادینه شود چنین نیست که با ظهور سه یا چهار اندیشمند، جامعه توسعه یابد. وقتی که از نهادینه شدن اندیشه صحبت می‌کنیم، مقصودمان این است که، جامعه زمانی می‌تواند مشکلات خود را حل کند که دارای سازمان‌ها و نهادهایی برای نظریه‌پردازی و ایجاد مکتب فکری باشد.»^{۲۵}

وی در ادامه می‌نویسد:

«به تصور من تا مکاتب فکری در ایران ایجاد و نهادینه نشود توسعه به سرانجام خود نخواهد رسید، هر قدر هم سرمایه‌گذاری فیزیکی صورت گیرد باز مشکل خواهیم داشت، مثل امروز که مدام با هم بحث می‌کنیم. این یکی می‌گوید خصوصی، آن یکی می‌گوید دولتی، این می‌گوید آقا تو اشتباه می‌کنی، آن می‌گوید نه تو اشتباه می‌کنی.»^{۲۶}

دکتر امیر باقر مدنی در رابطه با فقدان اجماع نظر و منازعات نخبگان سیاسی ایران

می‌نویسد:

«مخالفت‌ها و انتقادات زیادی طی چند سال گذشته (۶۸ تا ۷۳) از طرف بعضی از مقامات و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به سیاست جدید اقتصاد دولت (هاشمی رفسنجانی) در جریان، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها انجام گرفت، بیانگر عدم هماهنگی و فقدان اتفاق نظر در میان مقامات و مجریان برنامه است. در اثر همین ایرادها و فشارها از جوانب مختلف، همان‌طور که در سال‌های اخیر ناظر بوده‌ایم، دولت ناچار برای جلب رضایت گروه‌های مختلف پیوسته سیاست‌های از پیش اتخاذ شده را

فصل اول: کلیات □ ۳۳

با تصمیمات تازه و خط مشی‌های جدید جایگزین ساخته است تا از ایرادها و انتقادها کاسته شود.»^{۲۷}

دکتر علیرضا ازغندی ضمن بررسی عملکرد نخبگان سیاسی ایران در فاصله انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی به دنبال بررسی و آزمون دو فرضیه بوده است:

«۱. تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در صد سال اخیر تحت‌الشعاع منافع گروهی نخبگان سیاسی قرار داشته است. در ایران نیز مانند کشورهای دیگر در حال توسعه، نخبگان سیاسی و در رأس آنها شخص شاه، در تعیین و پویای توسعه کشور تصمیم‌گیرنده نهایی هستند.

۲. این گروه نخبه چه در اثر تربیت چه در تشکیل سازمان و چه در زمینه تصمیم‌گیری و چگونگی اعمال قدرت متقابلاً متأثر از قدرت سازمان یافته نخبگان برون مرزی بوده است.»^{۲۸}

ازغندی با کالبد شکافی نقش نخبگان سیاسی ایران معتقد است با توجه به وضعیت خاص طبقاتی آنان و وابستگی شدید آنها به دولت و تحت تأثیر قدرت‌های خارجی بودن، نخبگان ایرانی نتوانستند به نحو احسن و شایسته در توسعه‌یافتگی کشور ایفای نقش نمایند و آنان به دلیل وابسته بودن هرگز نتوانستند به یک اجماع و وفاق کلی دست یابند تا نقشی شایسته در حوزه‌های فکری نهادی جامعه بازی کنند.^{۲۹} دکتر احمد رجب‌زاده در پایان‌نامه دکترای خود با تأکید بر نقش برجسته نخبگان سیاسی در تحولات توسعه ایران و ژاپن به طور تطبیقی این فرضیه را طرح نموده که:

«هرچه انسجام اجتماعی و فرهنگی نخبگان سیاسی بیشتر باشد، تعارض در میان آنها کمتر بوده و امکان توسعه‌یافتگی بیشتر می‌شود.»^{۳۰}

دکتر ناهید مطیع نیز در پایان دکترای خویش با تأکید بر نقش مهم و تاریخی نخبگان سیاسی در فرایند نوسازی و توسعه ژاپن به مطالعه و بررسی تطبیقی آن با ایران دوران قاجار پرداخته است. ایشان یکپارچگی، وحدت رویه، انعطاف‌پذیری و مهم‌تر از همه اجماع نظر نخبگان ژاپن را از مهمترین عوامل توسعه آن کشور قلمداد می‌کند و در مورد ایران، اختلافات و منازعات افراطی نخبگان ایرانی را از مهم‌ترین عوامل اختلال در فرایند توسعه می‌داند او سه سؤال را در پایان‌نامه خویش مورد بررسی قرار می‌دهد.

سؤال اول: تحقق نظامات آموزشی مدرن در ژاپن و کندی حرکت آموزشی جدید و مدرن در ایران توسط نخبگان.

سؤال دوم: تحقق نظام سیاسی مدرن در مورد ایران و عدم تحقق نظام سیاسی مدرن در ژاپن توسط نخبگان.

سؤال سوم: مقایسه نقش نخبگان در نوسازی اقتصاد دو کشور ایران و ژاپن.^{۳۱}
وی در مورد اختلال توسعه در ایران می‌نویسد:

«دلایل چندی از جمله عدم یکپارچگی و اتحاد نخبگان، نفوذ قدرت نخبگان سنت‌گرا و غفلت نخبگان تجدد طلب در مورد توجه به واقعیت‌های اجتماعی اقتصادی خاص ایران، تبدیل به کشور توسعه یافته را با اختلال مواجه ساخت.»^{۳۲}

پژوهشگر دیگری با تأکید بر ارزش‌های انسانی و نقش شخصیت مبتنی بر روان‌شناسی اجتماعی معتقد است شرط توسعه هر جامعه، وجود ارزش‌های نوین و خلاق با انسان‌هایی نوآور است و در جوامع توسعه یافته، انسان‌ها به ارزش‌هایی باور دارند که سازنده مناسبات رشد است.^{۳۳} این انسان‌های خلاق و صاحب انگیزه و ابداع‌گر زمینه‌ساز رشد و توسعه محسوب می‌گردند که در کشورهای توسعه نیافته اندک می‌باشند و دلیل اصلی این کمیابی را می‌توان در استبداد و اختناق سیاسی حاکم بر کشورهای توسعه نیافته جستجو نمود. زمینه این نظریه در آرا. ماکس وبر (Max Weber) و در نظریه‌های طیف معروف به مدرنیزاسیون از جمله نظریه انگیزه پیشرفت، دیوید مک کلند (David McClelland) و شخصیت نوآور، اورت هیگن (Everett Hagen) و به گونه‌ای التقاطی در جامعه‌شناسی نخبه‌کشی رضاقلی می‌توان مشاهده نمود.^{۳۴} با توجه به نمونه‌هایی که به آنها اشارت رفت به نظر نگارنده علیرغم طرح و بیان مسأله از سوی محققان، هنوز در مورد خاص جمهوری اسلامی ایران، تحقیق علمی شفاف و مستقلی مبتنی بر واقعیات در رابطه با نقش اجماع نظر نخبگان سیاسی و تأثیر آن در فرآیند توسعه کشور انجام نیافته است. مسأله مهم دیگری هم که نیازمند بررسی است، ساز و کارهای حل منازعه در میان نخبگان سیاسی حاکم است که در اثر حاضر بر آن تأکید به عمل می‌آید.

۲. روش بررسی

اثر حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی (cx-post-facto) می‌باشد که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی انجام می‌گیرد. پژوهشگر با استفاده از تکنیک اسنادی با گردآوری اطلاعات تحقیق به بررسی عدم اجماع نخبگان سیاسی دولتی در خصوص توسعه و برنامه‌های توسعه کشور می‌پردازد. برای آزمون فرضیه اصلی با نشان دادن نمونه‌های فراوان از اختلافات و عدم اجماع نخبگان و موارد عدول آنان از برنامه‌های مصوب توسعه کشور به تأثیر عدم اجماع نخبگان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌های توسعه و اختلال در توسعه ملی کشور می‌پردازد. در این اثر از انواع منابع اعم از کتاب‌ها، مقاله‌ها، متون سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده مانند رؤسای جمهور، رؤسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، رؤسای مجلس شورای اسلامی، رؤسای بانک مرکزی و وزیر اقتصاد و دارایی و همچنین مدارک موجود پیرامون برنامه‌های مصوب توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور بهره‌گیری می‌شود. پژوهشگر حسب ضرورت به منابع و متون جدید و مختلف مراجعه و به تطبیق اسناد و آراء نخبگان تصمیم‌گیرنده در خصوص توسعه کشور می‌پردازد و نظرات فردی مدیران ارشد جمهوری اسلامی ایران را پیرامون توسعه بررسی می‌کند. بنابراین اثر حاضر تحقیقی مستند به اسناد و مدارک معتبر و قانونی و نظریه‌ها و آراء مکتوب نخبگان تصمیم‌گیرنده در فرآیند برنامه‌های توسعه کشور است. قلمرو زمانی بررسی، مشتمل بر سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر سال ۱۳۸۳ می‌باشد.

در این اثر تلاش می‌شود تا مشکلات ناشی از اختلاف‌نظرهای فردی و گروهی نخبگان سیاسی کشور در حوزه تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر نابسامانی‌های سیاست‌های توسعه در ایران بررسی شود. تحلیل روش‌های موجود برای حل تعارض‌ها و رسیدن به اجماع سازنده و منطقی برای پیشبرد اهداف توسعه و نشان دادن کاستی‌های این روش‌ها و ضرورت اتخاذ روش‌های مناسب‌تر که مأخوذ از منابع اصیل دینی و راه‌های علمی جهان امروز هستند از جمله اهداف اساسی در این اثر می‌باشد تا نخبگان سیاسی ایرانی با عقلانیت و خردمندی، نقاط مشترک را ملحوظ نظر جدی قرار داده و موارد اختلافی را که در بسیاری از موارد موجبات نزاع و تعارض را فراهم می‌آورد به نحو مناسب‌تر